

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم
شماره ۲۰۶ فوریه ماه ۱۳۹۶ - مه ۲۰۱۷

تجاوز به کشور مستقل سوریه نقض منشور سازمان ملل متحد است دروغگوئی و جعل اسناد برای تجاوز به سوریه جنایت جنگی است

مطبوعات متصل به ناتو و سازمانهای امنیتی آمریکا، اسرائیل، انگلستان و به یک کلام ناتو با صحنه‌سازی و تعزیه‌گردانی مدعی شدند که "رژیم اسد" به بمباران شیمیایی مردم خان‌شیخون در استان ادلب دست زده است. پرده‌های تلویزیون و اخبار در سراسر جهان صحنه پخش تکاندهنده تصاویری شد که کودکان سوریه‌ای را به کام مرگ می‌کشید. تا احساسات مردم جهان تحریک شود و زمینه‌ای ایجاد کند تا تروریسم جهانی به سرکردگی آمریکا و همدستی ترکیه، عربستان سعودی، قطر و ناتو کودکان سوری را به بهانه حمایت از حقوق بشر نابود کنند. فورا نمایندگان بزرگترین جاعلان تاریخ بشریت فعال شده و تقاضای نشست شورای امنیت سازمان ملل را کردند که در روز چهارشنبه ۱۶ فروردین برگزار شد. در این نشست نماینده امور خلع سلاح در سازمان ملل، در سخنرانی خود در نشست شورای امنیت گفت: "اگر این حمله شیمیایی ثابت شود، بزرگترین حمله پس از تهاجم شیمیایی به غوطه دمشق خواهد بود. وی افزود این سازمان آماده است هیاتی را به خان‌شیخون برای بررسی حمله شیمیایی صورت گرفته و شناسایی عاملان آن اعزام کند."

نماینده دائم چین در شورای امنیت در تائید اظهارات نماینده امور خلع‌سلاح در سازمان ملل تائید کرد: "ما ... ادامه در صفحه ۳

انقلاب اکتبر و پیروزی لنینیسم

در این سال ما صدسالگی تولد انقلاب کبیر اکتبر در روسیه، پیدایش جامعه‌ای نوین، دنیائی نوین، با نام "شوروی سوسیالیستی" را جشن می‌گیریم.

این انقلاب برای نخستین‌بار در تاریخ بشری، دولتی تزارنویین، دولت شوروی سوسیالیستی، دموکراسی ترازنویین، دموکراسی برای زحمتکشان یا دیکتاتوری پرولتاریا را پدید آورد.

ما برآنیم که در آن زمان در صد سال پیش این نوزاد، هم اکنون علیرغم کبر سن، علیرغم تمام ضربات و حتی علیرغم کودتای خروشچف و تصرف دوباره جامعه سوسیالیستی به دست بورژوازی و همچنین علیرغم وقفه موقت در ساختمان سوسیالیسم، هنوز زنده و شاداب و تنها بدیل ممکن است که آینده تابناک بشریت را تضمین می‌کند. انقلاب اکتبر زنده است و صحنه تاریخ جهان را هرگز ترک ننموده، اگر چه در این لحظه موقتا نفی گردیده است.

ما عوامل عینی این انقلاب را در تاریخ گذشته روسیه، در تغییرات مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن می‌یابیم، به بیان دیگر در مبارزات طبقاتی آخرین عصر تاریخ روسیه. "در راس انقلاب اکتبر طبقه انقلابی‌ای، مانند طبقه کارگر روسیه قرار داشت که در جنگها آزموده شده"، "طبقه کارگر روسیه در انقلاب متفق مهمی مانند دهاقین تهری‌دست که اکثریت عمده دهقانان را تشکیل می‌دادند داشت."، "انقلاب اکتبر در مقابل خود دشمنی مانند بورژوازی روس داشت، که نسبتاً ضعیف و با وضع سازمانی بد و در سیاست نیز نازآمده بود." و بالاخره "بر راس طبقه کارگر، حزبی مانند حزب بلشویکی قرار داشت که در پیکارهای سیاسی آزموده شده بود". (نقل قولها تمام از استالین).

بدون چنین حزب قدرتمند بلشویکی، منضبط و متشکل، که با رهبری نابغه چون لنین و هم‌زمان و رفقای وی، که در طول زمان از نظر سیاسی، ایدئولوژی و تشکیلاتی آبدیده و بلشویکی شده بودند، نمی‌توانستند تمام شرایط عینی نامبرده موثر واقع شوند. و یا اینکه سرنوشت انقلاب به آینده دوری سپرده می‌شد. "لنینیسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی است. دقیقتر: لنینیسم بطور کلی تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریا و به طور اخص تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا می‌باشد." (استالین راجع به اصول لنینیسم). لنین قوانین عمومی مارکسیسم را بر شرایط مشخص دوران خود (و در روسیه) در دوران بعد از مارکس و انگلس تطبیق داد.

چه چیز بعد از درگذشت انگلس (۱۸۹۵) تا انقلاب اکتبر تغییر یافت؟ درآمیختگی سرمایه صنعتی و مالی (الیگارش مالی) رو به افزایش گذاشت و به صورت سرمایه عظیم مالی و انحصارات و سیادت سرمایه مالی درآمد. لنین این تکامل را تحلیل و تزه‌های معروف خود را در مورد مرحله بعدی سرمایه‌داری (سرمایه‌داری انحصاری) معروف به امپریالیسم در اوایل سال ۱۹۱۷ انتشار داد. این نظریه داهیانه لنین، مضمون دوران ما را به طرز داهیانه‌ای تصویر نمود و راه را برای پیروزی کارگران، دهقانان و خلقهای تحت ستم هموار نمود.

در این زمان بود که می‌بایستی لنین خود را برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشور خود آماده می‌کرد.

یک دست‌آورد بزرگ لنین در رابطه با انقلاب سوسیالیستی این است که "ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی، قانون بلاشرط سرمایه‌داری است. از اینجا چنین برمی‌آید که سوسیالیسم ممکن است نخست در یک چند و حتی یک کشور سرمایه‌داری به طور جداگانه غالب گردد." (لنین ۱۹۱۵).

لنین در این باره (برنامه جنگی انقلاب پرولتاری-۱۹۱۶) می‌نویسد: "رشد سرمایه‌داری در کشورهای گوناگون با منتهی درجه ناموزونی عملی می‌شود. با وجود تولید کالائی غیر از این هم ممکن نیست. از اینجا این نتیجه مسلم حاصل می‌گردد، سوسیالیسم در همه کشورها در یک موقع نمی‌تواند غلبه یابد. نخست در یک یا چند کشور غلبه می‌کند و سایر کشورها مدتی در حال کشورهای بورژوازی و یا پیش از بورژوازی باقی می‌مانند."

پس لنین نه می‌توانست و نه می‌خواست که برای ظهور انقلاب سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته در انتظار بماند. وی با رفقای هم‌رزمش مبارزه عظیم و گسترده درون حزبی را در تمامی سه زمینه، سیاسی، ایدئولوژی و تشکیلاتی برانگیخت.

در تحت رهبری وی حزبی ترازنویین، حزبی بلشویکی ... ادامه در صفحه ۵

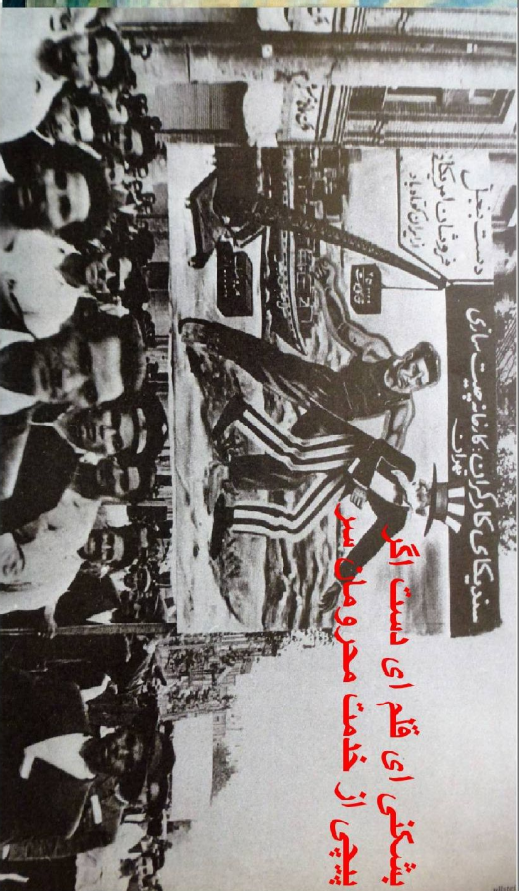
به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

100. Jahrestag der Großen Sozialistischen Oktoberrevolution



سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

تحلیل از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران از دوران حزب کمونیست ایران تا به امروز



بشکنی ای قلم ای دست اگر
پیچی از خدمت محرومان سیر

تحلیل از مبارزات جنبش کمونیستی در ایران

برنامه‌های سخنرانی و هنری شامل:

سخنرانی در مورد انقلاب اکتبر و جنبش کمونیستی ایران

موسیقی با صدای سیما و همراهی ویلن اسکندر

نمایش فیلم مستند

رقص‌های محلی

شعرخوانی

نمایشگاه عکس

صرف شام

کمیته برگزاری، کانون دفاع از حقوق دمکراتیک، انجمن حمایت از زندانیان سیاسی و آزادی در ایران، هواداران حزب کار ایران (توفان)

Vorträge
Filmvorführung: Dokumentarfilm
Persischer Folklore Tanz und Musik
Bilderausstellung
Ort: Neustadtzentrum
Goethestraße 7, 55118 Mainz
Zeit: Sa. 27.05.2017 / 18.00 Uhr

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر این ناقوس مرگ دنیای
سرمایه داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

تجاوز به کشور مستقل سوریه...

اجرای تحقیقات جامع و کامل در مورد تهاجم شیمیایی در خان شیخون در سوریه را تأیید می-کنیم".

خانم دلقکی به نام "نیکو هیلی" که با قساوت قلب سخنرانی می-کند و بازیگر ماهر دولت آمریکاست در حالی که تصاویر کودکان کشته شده در اثر حمله گاز سمی را نشان می-داد، هنوز مسئول این حمله روشن نشده، هنوز تحقیقات در این زمینه صورت نگرفته تهدید کرد: "اگر شورای امنیت واکنشی نشان ندهد ما راسا دست به عمل می-زنیم" (تکیه از توفان).

نماینده دولت امپریالیستی فرانسه در شورای امنیت اظهارات روسیه را مبنی بر اینکه نیروی هوایی رژیم سوریه انبار تسلیحات شیمیایی مخالفان را بمباران کرده است، رد کرد. وی گفت: "توجهی برای چشم پوشی از اقدامات هولناک صورت گرفته در سوریه وجود ندارد". نماینده انگلستان در شورای امنیت نیز بکارگیری حق وتو توسط روسیه و چین را پیامی برای تشویق بشار اسد دانست و گفت تمامی علائم تأیید می-کند که رژیم سوریه تهاجم شیمیایی به ادلب را اجرا کرده است (تکیه از توفان- کدام علائم؟!).

انسان از این همه دروغ و توحش در شگفت می-ماند. این حامیان داعش بر این نظرند تا تنور داغ است باید نان را پخت و منتظر تحقیق و بررسی نشد. نماینده انگلیس مانند آدم طلبکار اعلام کرد: "روسیه باید به طرف-هایی که خواهان انجام تحقیقات جامع درخصوص حمله ادلب هستند، ببینند و افزود: "شواهدی مبنی بر اینکه طرفی غیر از رژیم سوریه در حمله خان-شیخون دست داشته باشد، وجود ندارد". (تکیه از توفان). نماینده دولت انگلیس البته تلاشی ندارد تا این شواهد غیرقابل انکار را علنی کند تا جای شکی باقی نماند.

این سیاست قصاص قبل از جنایت شبیه اقدامات کالین پاول وزیر وقت امور خارجه آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل بود که با همین صحنه-سازی و عرضه تصاویر جعلی و آمریکا ساخته به عراق حمله کرد و یک میلیون عراقی همراه با کودکانشان را به قتل رساند. هنوز تحقیقاتی صورت نگرفته، هنوز مسئول این جنایت روشن نشده، آمریکا دستور تجاوز به سوریه را که یک کشور مستقل با حکومت رسمی و عضو سازمان ملل است صادر کرد. خانم "نیکو هیلی" در تهدید خود به صراحت گفته بود که ما منتظر تحقیق و تصمیم شورای امنیت که به ما وکالت دخالت دهد نمی-مانیم و به سوریه حمله می-کنیم. به اظهارات وی بار دیگر توجه کنید: "اگر شورای امنیت واکنشی نشان ندهد ما راسا دست به عمل می-زنیم". دست به

عمل زدن بدون تصمیم سازمان ملل، نقض آشکار منشور ملل متحد و جنایت جنگی است. در اینجا آمریکا و انگلستان در نقش دادستان، قاضی، پلیس و وکیل مدافع به طور همزمان ظاهر می-شوند و ترامپ حتی تا جایی پیش می-رود که نیازی به پرده پوشی و یا اراده



استدلالات حقوقی نیز نمی-بیند. وی دلایلی ارائه می-دهد که با توسل به آنها می-شود دنیا را به خاک و خون کشید:

"امشب من از همه کشورهای متمدن می-خواهم که به دنبال پایان دادن به قتل و خونریزی در سوریه باشند. راستی این دولتهای متمدن چندتا دولت هستند-توفان).

حملات موشکی به سوریه در راستای تامین امنیت ملی و حیاتی آمریکا صورت گرفته است. بشار اسد از گاز سارین برای کشتار مردم سوریه استفاده کرده است.

جای هیچ بحثی نیست که سوریه از تسلیحات شیمیایی ممنوعه استفاده کرده است.

سالها تلاش قبلی برای تغییر دادن رفتار اسد شکست خورده است. ("همه جا تکیه از توفان).

این چندمین بار است که بعد از جنگ جهانی دوم امپریالیستها به چنین جنایتی دست می-زنند.

این اقدام در کوزوو، عراق، لیبی و اکنون در سوریه اجراء شده است و وقتی حرمتها شکست

دیگر نیازی به توجیه و پرونده-سازی های مصنوعی نیز نیست. قانون جنگل و حق با

قویتر است در جهان به صورت اجراء درخواهد آمد. این اقدام تجاوزکارانه آمریکا با

دانائی به اینکه همین گاز را در نزدیکی دمشق جهادگرایان داعش و النصر بر ضد ارتش

سوریه و مردم عادی به کار گرفته بودند و کشف آن مانع از این شد که اوپاما از خط قرمز

عبور کند، نشانه آن است که دولت ترامپ سیاست گستاخانگری را در جهان در پیش

گرفته است. وی مانند بولدزری که ترمزش بریده است عمل می-کند. آش به قدری شور بود

که حتی نمایندگان ژاپن و ایتالیا و مصر نیز ناچار شدند به صورت عمومی صحبت کنند.

آنها چنین گفتند: "نماینده دائم ژاپن در شورای امنیت گفت باید تمامی مرتکبین سلاح شیمیایی

محاکمه شوند. نماینده دائم ایتالیا در شورای امنیت خواهان

صدور قطعنامه شورای امنیت در مورد تهاجم شیمیایی در ادلب شد.

نماینده دائم مصر در شورای امنیت گفت قاهره بکارگیری سلاح شیمیایی از طرف هر کسی که

باشد را محکوم می-کند بویژه اگر علیه

شهروندان بکار گرفته شود".

بازیگری و صحنه سازی نماینده آمریکا مانع از آن نشد تا نماینده شجاع کشور بولیوی در مقابل وی قد علم کند و سیاست جنایتکارانه آمریکا را افشاء نماید. این اقدام دولت بولیوی پژواک مهمی در آمریکای لاتین دارد و پرده دروغهای امپریالیسم را در هم می-شکند. دول روسیه، چین، ایران، سوریه، لبنان، بولیوی، ونزوئلا و همه متحدان آنها و همه نیروهای مترقی، آزادیخواه، کمونیست، دموکرات و بشر دوست در جهان به افشاء این تجاوز وحشیانه مبادرت کرده-اند و طبیعی است که این دروغ نمی-تواند دوام داشته باشد. دشمنان بشریت و حامیان تجاوز و بربریت و مزدوران سازمانهای جاسوسی در کنار ترامپ، اردوغان و داعش ایستاده-اند.

نماینده بولیوی در جلسه شورای امنیت عنوان کرد که واشنگتن با این حمله خودسرانه به سوریه منشور سازمان ملل را نقض کرده است وی همچنین اتهامات دروغین واشنگتن برای توجیه حمله نظامی به عراق را در جلسه شورای امنیت سازمان ملل یادآوری و تاکید کرد که با اقدام یکجانبه آمریکا در سوریه مخالف است. او گفت: «روزی کالین پاول روی همین صندلی شورای امنیت نشست و درباره عراق و اینکه سلاح کشتار جمعی دارد به ما دروغ گفت».

دولت آمریکا و انگلیس که به تجاوز خویش به سوریه آگاهاند مدعی شدند که آنها نیازی به تحقیقات سازمان ملل ندارند، زیرا سازمان جاسوسی اسرائیل و یک منبع دیگر امنیتی آنها را در جریان گذارده و مدارک لازم را به آنها داده-اند. اگر این دروغ را بپذیریم پرسش این است که چرا این مدارک را منتشر نمی-کنید تا دست دولت سوریه رو شود. آنها می-توانند حتی بعد از تجاوز خویش این اسناد را منتشر کنند. واقعیت این است که سندی در کار نیست. جالب این است که شهود از پرتاب موشک صحبت می-کنند و آمریکا از بمباران هوایی. محل "اصابت بمبهای هواپیماهای سوریه" ولی از یک سوراخ کوچک بزرگتر نیست. تازه در همین سوراخ که باید نتیجه اصابت بمب باشد تا موشک، یک تصویر از پوتین را گذارده، عکس گرفته و به سر آنتنها فرستاده-اند. شواهد ثابت می-کنند که این گاز از طریق دولت ترکیه و حمایت سازمانهای جاسوسی آن کشور به دست داعش رسیده و آنها آنرا با موشک به خان-شیخون پرتاب کرده-اند. آقای میسائیل لودرز کارشناس معتبر آلمانی در امور خاورمیانه در یک برنامه تلویزیونی در کانال دوم تلویزیون آلمان به تاریخ ۲۰۱۷/۰۴/۰۶ تحت نام "پیرامون گاز سمی در سوریه- تبلیغات، اردوغان و پوتین" سخنرانی کرد و نشان داد که استفاده از گاز سمی سارین نخستین بار توسط جبهه النصر که همان جبهه القاعده با نام جدید برای رد گم کردن است در همکاری با سازمان جاسوسی ترکیه (میت) ... ادامه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

تجاوز به کشور مستقل سوریه...

مورد استفاده قرار گرفته است. افشاء این سند در تاریخ ۲۰۱۳ توسط سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان مانع اجرای تصمیم اوباما برای عبور از "خط قرمز" و تجاوز به سوریه شد. حال همین اقدام مجدداً به اسد منتسب می‌شود در حالی که وی اساساً منفعتی در به کار بردن گاز سارین ندارد، زیرا ارتش ملی سوریه در حال پیشروی است و تروریستها در تمام جبهه‌ها شکست

خورده و بی‌اعتبار شده‌اند. با بمباران غیرقانونی کشور سوریه که نقض آشکار منشور ملل متحد است و از بالای سر شورای امنیت صورت گرفته است، متحدان امپریالیسم آمریکا که از همان جنس وی هستند با این اقدام غیر قانونی و ضد بشری دولت ترامپ موافقت کرده و برای وی دست زدند و فاتحه سازمان ملل متحد و امنیت کشورهای کوچک را خواندند. حقیقتاً به بی‌شرمی و پوست کلفتی خارق‌العاده‌ای نیاز است تا کسی در مقابل دوربین و انظار صدها میلیون مردم جهان دروغ بگوید، منشور ملل متحد را لگد مال کند و خود را محق جلوه دهد. مثنی نوکران حقیر آمریکا نیز خفت این سرشکستگی و تاکید بر دروغهای آمریکا را به جان می‌خرند و آنرا بدون کم و کاست تکرار می‌کنند. دول اروپائی "متمدن" و اعضای معهود "جامعه جهانی" از این قماشند. نتانیاهو این جلاد خلق فلسطین که خودش مرتباً قطعه‌نامه‌های سازمان ملل را به زیر پا می‌گذارد و برای تصمیمات این سازمان ارزشی قایل نیست پیش از جلسه‌ی هفتگی کابینه در دفتر نخست وزیر در اورشلیم گفت: "اسرائیل از حمله‌ی آمریکا به سوریه حمایت کامل دارد" و "این اقدام بر پایه‌ی دلایل اخلاقی و به دنبال وقوع صحنه‌های دشوار ادلیب، و نیز به این خاطر که تصریح شود استفاده از تسلیحات شیمیایی هزینه دارد." (تاکید از توفان) انجام شده است که مورد تأیید اسرائیل است. روسیه این اقدام را تحت عنوان "اقدام خشونت‌آمیز" محکوم کرد، ولی همین اقدام ضد بشری و ضد منشور ملل متحد سازمان ملل از جانب ایالات متحده آمریکا، از سوی کشورهای دیگر از جمله کشور "دموکراتیک و سکولار" عربستان سعودی و ترکیه عثمانیستی که حامی تروریستها و مزدوران بین‌المللی در سوریه هستند، مورد تقدیر قرار گرفت. دولت ترکیه که تا دیروز واقعیت حکومت اسد را مجدداً به رسمیت شناخته بود و آماده همکاری در سوریه بود، بعد از این تغییر روش دولت ترامپ با یک پشتک و واروی شرم‌آور مواضع دیروزی خویش را تغییر داد و دوباره به همان مواضع داعشی گذشته خویش بازگشت. ترکیه نشان داد که تا چه حد خطرناک و غیر قابل محاسبه و دسیسه‌گر در منطقه است. ترکیه با حمله به ایران به عنوان "پارسیان" پایش را در راه تجزیه ایران در جای پای اسرائیل قرار می‌دهد، با نتانیاهو

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



همصدا می‌شود و با این روش با نزدیک‌بینی سیاسی گور ترکیه را می‌کند و این کشور را به منجلاّب تجزیه و جنگ داخلی می‌کشانند. سیاست اخیر ترکیه به ما می‌آموزد که همه چیز بر اساس قهر تعیین می‌شود. تا موقعی که زورش نرسد سر به راه می‌گردد و وقتی احساس گردن‌کلفتی بکند هار گشته و به در و دیوار می‌زند. هم در درون مردم را سرکوب می‌کند و هم در بیرون متجاوز است. تبلیغات بر ضد سوریه اشکال مشمّز کننده‌ای به خود گرفته است. مخبران مزدور حتی از خنده سخنگوی دولت رسمی سوریه در سازمان ملل نیز پرونده می‌سازند. خبرنگار شبکه تلویزیونی الجزیره وابسته به دولت متجاوز قطر که همدست النصر (بخوانید القاعده-توفان) و داعش است در پایین پلکانی در ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک از بشار جعفری، نماینده رسمی دولت قانونی سوریه در سازمان ملل متحد که از پله‌ها پایین می‌آید پرسید: «آقای نماینده، آیا شما دو بیمارستان در حلب را بمباران کردید؟»

نماینده سوریه در سازمان ملل در برابر این پرسش تحریک‌آمیز بچه‌گانه و مضحک مانند هر انسان عاقل به خنده می‌افتد، به این دلّک جوابی نمی‌دهد و به راه خود ادامه می‌دهد. سازمانهای امنیتی فوراً از پوزخند تمسخر به ریش این اوباش و جاعلان خبری از "خنده سرد" نام می‌برند و کلیبی که از این پوزخند به عنوان "خنده سرد" تهیه می‌کنند و در شبکه مجازی قرار می‌دهند و خودشان تفسیری بر آن نوشته که همه از این "خنده سرد" بهت زده شده‌اند!!؟؟. سامانتا پاور، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، خنده همتای سوری خود را "وحشتناک" توصیف کرد و اعلام کرد که گفت و گو پیرامون کشتار هزاران نفر غیرنظامی در حلب بر حاکمان سوریه، و سران روسیه که حامی این کشور هستند، هیچ تأثیری ندارد.

در کنار این سرور و شادمانی نیروهای دست-راستی آدمکشان جهانی، اپوزیسیون وهابی-صهیونیستی-پننگونی ایران قرار دارند که از یک سنت آمریکاپرستی برخوردارند و تلاش دارند هر طور شده از آمریکای "دنیای آزاد" و "دوست ملت ایران" حمایت کنند.

آنها از آزادی حلب رنج می‌برند و جریان صهیونیستی به نام "حزب کمونیست کارگری" که سخنگوی صهیونیسم و امپریالیسم در ایران است، وظیفه‌مند شد به دروغهای ترامپ و

تقدیرنامه نتانیاهو و داعش ببینند. آنها در تأیید این جنایت ضد بشری و نقض حقوق ملل، اعلامیه ننگینی منتشر کردند که در آن بر دروغهای بی‌شرمانه ترامپ صحنه گذاردند و نوشتند: "روز پنجشنبه ۶ آوریل، بدنبال کشتار مردم شهر خان‌شیخون سوریه در اثر حمله شیمیائی رژیم اسد که خبر آن با تصاویر کودکان خردسال قربانی گازهای شیمیائی دنیا را تکان داد". این حزبک اسرائیلی زرع نکرده پاره کرده است.

خبری را که همه با تردید تفسیر کرده‌اند و دروغ بودن آن آشکار است، این حزبک اسرائیلی به عنوان خبر موثق در دفاع از امپریالیسم منتشر می‌کند و در قالب "انساندوستی" نوع صهیونیستی می‌افزاید: "نفس حمله به پایگاهها و نیروهای نظامی رژیم اسد، تا آنجا که به کشتار مردم منجر نشود، قابل محکوم کردن نیست" و سپس با همان تئوری ارتجاعی پارکابی با امپریالیسم و صهیونیسم به میدان می‌آید و می‌نویسد: "عامل اصلی جنایت و کشتار در سوریه رژیم اسد و متحدینش یعنی دولت روسیه و جمهوری اسلامی هستند، اما قطب مقابل جنگ داخلی در سوریه، داعش و دیگر نیروهای اسلامی وابسته به ترکیه و عربستان و مورد حمایت دولت آمریکا نیز بهمان اندازه ارتجاعی و جنایتکارند" (تکیه همه جا از توفان). به دیگر سخن صدور مزدوران تروریسم به سوریه توسط ارتجاع جهانی "جنگ داخلی" است و عامل اصلی جنگ نه دخالت امپریالیسم، صهیونیسم و وهابیسیم و پان-ترکیسم در منطقه، بلکه حاکمیت رژیم بشار اسد که کشوری مستقل و نماینده مردم سوریه است می‌باشد. روشن است که اگر بشار اسد متکی بر مردم کشورش نبود یک هفته هم در مقابل این فشار جهانی دوام نمی‌آورد. وی ۶ سال با اتکاء بر مردمش با ارتجاع جهانی و عاملانش از جمله عمال سوریه‌ای سازمانهای نظیر همین "حزب کمونیست کارگری صهیونیستی" ها می-رزمند و پیروزی از آن وی است. آکروبات بازی‌های پیروان منصور حکمت که گویا عامل اصلی جنایت و کشتار در سوریه، رژیم اسد و ... هستند، اما قطب مقابل ... نیز بهمان اندازه ارتجاعی و جنایتکارند بیشتر موجب پوزخند است. این حزبک برای تسکین اعضاء فریب خورده و در مانده‌اش دو تا علت اصلی کشف کرده است. یکی اسد، روسیه و جمهوری اسلامی و دیگری داعش و دیگر نیروهای اسلامی وابسته به ترکیه و عربستان که تنها مورد حمایت آمریکای "بی‌طرف" هستند. این حزب حتی ادعای آمریکا که خود را یک طرف دعا می‌داند را نیز قبول ندارد و این نزاع را به دخالت مستقیم آمریکا ربط نمی‌دهد. کشف دیگر این حزبک صهیونیستی در ایران از جمله غیرامپریالیستی بودن ماهیت آمریکاست که گویا فقط سیاستهای وحشیانه و ارتجاعی دارد که آنها ماهوی نبوده، ... ادامه در صفحه ۵

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

تجاوز به کشور مستقل سوریه...

گذراوند و نباید موجبات نگرانی خلقها و طبقه کارگر را فراهم نمایند. مجاهدین خلق یکی دیگر از ارکان خرابکاری و همدستی با داعش در منطقه است. آنها نیز مانند حزبک منصور حکمت تمام دروغهای عربستان سعودی و اسرائیل را تکرار می‌کنند. صمیمیت آنها فقط در این است که به صراحت بیان می‌کنند که در جبهه امپریالیسم آمریکا قرار دارند، دو دوزه بازی نمی‌کنند و به بازی عوامفریبانه آکروبیاتیک مبارزه "جبهه سوم"ی‌ها که می‌خواهند همزمان هم رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و هم امپریالیستهای آمریکا، ناتو، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، صهیونیسم، ترکیه عثمانیسم، داعش، النصر، القاعده و... اعتقادی ندارند. مردم ایران باید هشیار باشند و بدانند که نقض حقوق ملت‌ها، نقض حق حاکمیت ایران و سایر ملل، نقض استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران نیز هست و این دست‌آورد‌ها ربطی به جمهوری اسلامی ندارد. سیاست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه موجودیت همه ممالک غیر متعهد را به خطر می‌اندازد.

انقلاب اکبر و پیروزی ...

پایه گرفت. آموزشی مدرن و منطبق با زمان برای انقلاب سوسیالیستی شکل گرفت، لنینیسم تولد یافت.

چه چیز نو بود و چه چیز مردود، غیر عملی و زیانبخش که به زباله‌دان تاریخ سپرده شد؟ به طور خلاصه به برخی از این نظریه‌های اپورتونیستی اشاره می‌کنیم:

۱- مبارزه طبقه کارگر در درجه اول یک مبارزه اقتصادی و حزب وی یک حزب کارگری خالص است، که در آن همه طبقه کارگر شرکت دارند.

۲- پس از انقلاب این حزب منحل می‌شود و به جای مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای همه حاکم می‌شود.

۳- وجود هر حزبی به دیکتاتوری منجر می‌شود، بنابراین به جای دیکتاتوری حزب، دیکتاتوری کارگران.

بلشویسم این نظریه‌های بی‌محتوی را چه از جانب منشویک‌ها (راست و چپ)، و یا از جانب تروتسکیست‌ها و یا چپ‌روهای افراطی به دور ریخت.

نظریه‌های لنین در مورد اهمیت و روابط بین توده، طبقه، حزب و رهبری، برای آشنایان به این مسایل روشن و صریح می‌باشد، ولی علیرغم این لازم می‌آید که دائما تکرار شوند.

حقیقت این است که ما در جامعه طبقاتی‌ای زیست می‌کنیم که در آن طبقات مختلف و با تمایلات گوناگون (آشتی‌پذیر و یا آشتی‌ناپذیر) در کنار هم به سر می‌برند. مبارزه طبقاتی اجتناب ناپذیر است و می‌بایستی به هر طریق به سود طبقه‌ای منجر شود. مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی می‌تواند فقط با پیروزی

و حاکمیت یکی بر دیگری انجام یابد. نوعی "دموکراسی" و یا "صلح پایدار" بین این دو قطب غیرممکن می‌باشد. قطب حاکم، برای مثال پرولتاریا (در سوسیالیسم) می‌بایستی دیکتاتوری خود را بر بورژوازی اعمال کند، با وسیله‌ای که او در دست دارد، و آن دیکتاتوری پرولتاریاست. انقلاب اکبر با به دست آوردن قدرت سیاسی توانست آزادی و دموکراسی گسترده‌ای برای اکثریت مردم و نابودی تدریجی استثمار انسان از انسان را ممکن گرداند.

دولت سوسیالیستی و حزب کمونیست تنها یک وسیله مبارزه طبقاتی است که این بعد از انقلاب نیز تداوم می‌یابد، گاه با شدت بیشتر از قبل. بورژوازی سرنگون شده که نخست از طریق ایندولوژی و فرهنگی مبارزه می‌کند، می‌تواند خود را به عنوان یک طبقه متشکل سازد و قدرت را (کودتای خروشچف در شوروی) دوباره به دست گیرد.

انقلاب اکبر تغییراتی اساسی در جامعه به وجود آورد، زباله تاریخ را به دور انداخت، از مالکان بزرگ سلب مالکیت نمود، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، زمین، زمین‌های کشاورزی، راه-آهن و بانک‌ها را به مالکیت همگانی مردم درآورد.

انقلاب اکبر محرک نیرومندی برای جنبش انقلابی کارگران در تمام جهان بود. این انقلاب نهایی بود، نه فقط برای شروع مبارزه رهائیبخش پرولتاریا و متحدان وی (بطور عمده دهقانان فقیر) حتی برای جنبش‌های رهائیبخش و ضد امپریالیستی خلق‌های تحت ستم در تمام جهان.

دنیای ما از آن تاریخ، دنیای دیگری است. از طریق و تاثیر این انقلاب، مرحله نوینی در تاریخ بشریت آغاز گشته، مرحله جنبش بین-المللی کارگری لنینی. از آن زمان در تمام جهان احزاب کمونیستی سازمان یافتند و با به وجود آمدن انترناسیونال کمونیستی به بزرگترین وزنه برای تاثیرگذاری و تغییرات در تقریبا تمامی عرصه‌های اجتماعی مبدل شدند. مارکسیسم-لنینیسم در تمام جهان اشاعه یافت.

انقلاب اکبر بیش از همه با به وجود آوردن حزب بلشویکی به وسیله لنین، به عنوان پیشاهنگ طبقه کارگر، حزبی منضبط، رهبری کننده و دائما هشیار، جسور و مسلط به مارکسیسم-لنینیسم، توانست پیروز شود.

اپورتونیست‌ها چه در آن زمان و چه اکنون سعی برآن دارند که کیفیت و ویژگی احزاب کمونیستی را انکار نمایند و آنرا بی‌ارزش جلوه دهند و با مخلوطی از باوه‌گویی‌های بورژوائی و به ظاهر دموکراسی جایگزین سازند.

ما باید پرهیز کنیم که دوباره اشتباهات گذشته را در بسته‌بندی جدید تکرار کنیم.

توصیه ما به تمام کمونیست‌ها، به تمام انقلابیون چنین است:

انقلاب سوسیالیستی بعدی را با دقت، پرولتاریائی و مارکسیستی تدارک ببینیم.

ایزارهای مبارزه امپریالیسم...

ایجاد اتحادیه روسیه با ممالک فدراسیون سابق روسیه به عنوان یک بازار اقتصادی و سیاسی و ..

ایجاد این موسسات نه تنها به نزدیکی اقتصادی این کشورها به یکدیگر یاری می‌رساند، نه تنها از نفوذ امپریالیسم غرب به ویژه امپریالیسم آمریکا می‌کاهد، بلکه در طی این همکاری‌ها، نزدیکی سیاسی میان این ممالک که دارای منافع اقتصادی مشترک هستند افزایش می‌یابد. روسیه و چین با این دورنما به این فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی دست می‌زنند. هجوم آنها یک هجوم اقتصادی در مقابل بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی است.

با ابتکار دولت چین "بانک آسیائی سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی (Asian Infrastructure Investment Bank)" تاسیس شده که رقیب بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه آسیائی است. دولت چین قصد دارد از طریق این بانک آسیائی با سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی و ارتباطی در آسیای جنوب شرقی به تاخت و تاز بانک جهانی در این منطقه خاتمه داده و از نفوذ و تاثیرات اوامر استعماری امپریالیسم آمریکا بکاهد. این بانک با وام‌های مناسب رقابتی، شرایط استعماری بانک جهانی را در هم می‌شکند و مانع توسعه نفوذ امپریالیست‌های غرب در دنیا که آنها را تهدید می‌کند، می‌گردد.

پیدایش همکاری ممالک نوظهور اقتصادی به نام "بریکس" با عضویت چین، روسیه، برزیل، هندوستان و آفریقای جنوبی یک نمونه از این مقاومت این کشورهاست. در ژوئن ۲۰۱۴ در FORTALEZA واقع در برزیل یک بانک و یک صندوق ذخیره مشترک تأسیس کردند. آنها خواستار حقوق بیشتری در موسسات جهانی مالی بودند، ولی کنگره آمریکا همواره خواسته ی این ممالک را برای تغییر قوانین این موسسات، با قلدری و طلبکاری رد کرد. این کشورها سرانجام مصمم شدند که در مقابل تسلط دلار قد علم کنند.

آنها در شانگهای "بانک جدید توسعه" را ایجاد کردند و امروز به "بانک آسیائی سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی" پیوسته اند. حال دیگر نمی‌شود جلوی این موج بزرگ اعتراضی را با کودتا و تخریب و تجاوز نظامی گرفت. تشدید تضادهای امپریالیستی توازنی ایجاد می‌کند که در زمان حاضر به طور عینی به نفع مردم است و امکان تنفس را به مردم جهان می‌دهد که از حقوق مسلم و قانونی خویش در عرصه جهانی به دفاع برخیزند به تحریم‌های غیر قانونی و جنایتکارانه امپریالیست‌ها پشت کنند و این تحریم‌ها را با دریافت امکانات جدیدتر در هم شکنند. روسیه و چین به حمایت از "اتحادیه بلیواری خلق‌های آمریکای ما" در آمریکای جنوبی که مصافی با طرح آمریکائی "منطقه تجارت آزاد کل آمریکا" بود دست زدند. این اتحادیه با الهام از ... ادامه در صفحه ۶

ابزارهای مبارزه امپریالیسم...

نظریات چین و روسیه برای تسویه حساب تجاری نیز واحد تهاتری (پولی مشترک) به نام SUCRE انتخاب کرده اند و در نظر دارند در آینده این واحد پولی جدید را جایگزین دلار کنند.

جنگ در یمن بدست...

با عربستان سعودی، سالها در یمن قوای نظامی داشت و در نزاع میان شمال و جنوب فعالانه دخالت می کرد. شک تشابهاتی نیز میان سیاستهای جمهوری اسلامی ایران و حوثی ها (ضد آمریکا و ضد اسرائیل، ضد عربستان سعودی بودن هر دو) وجود دارند که منجر به نزدیکی بیشتر، به ویژه در زمینه اقتصادی میان دو کشور می شود که حتی منجر به امضای توافقنامه های اقتصادی گشته است. در عین حال لازم به یادآوری است که دولت «هادی» که امروز حوثی ها را «دست نشانده» ایران می خواند، خود از شرکت های ایرانی برای سرمایه گذاری در یمن دعوت کرده بود.

به هر تقدیر عربستان سعودی از سال ۲۰۱۴ با ایجاد "جبهه ائتلاف" متشکل از شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین) و به همراهی کویت، مراکش، مصر، اردن و سودان و سومالی که اجازه استفاده از پایگاه های نظامی خود را برای حمله به یمن صادر کرده است، تصمیم به تجاوز به یمن می گیرد و با بمب افکن هایش وحشیانه به یمن حمله می کند. در اتحاد نامقدس «گروه ائتلاف» حتی پاکستان و ترکیه نیز حضور داشتند. در این میان جمهوری اسلامی ایران در عین دفاع سیاسی از حوثی ها کمک های نظامی و یا تسلیحاتی را به این کشور تکذیب می کند. ایران برای فشار به عربستان سعودی و نیز گسترش نفوذ سیاسی خود، هم از شیعیان بحرین و هم از حوثی ها دفاع می نماید. ولی از نظر نظامی شواهدی جز ادعاهای بی پایه و اساس عربستان سعودی مبنی بر ارسال تجهیزات نظامی و عناصر سپاه از طرف ایران به یمن، تا مبارزه مردم یمن را نتیجه تحریکات ایران جازند، در دست نیست.

اگر گروه های دستپورده عربستان نظیر «النصره» و «داعش» و با پول و اسلحه عربستان و با پشتیبانی ترکیه، اسرائیل، امپریالیسم آمریکا، اروپا و ناتو به نیابت از آنها در عراق، سوریه، لیبی دست به کشتار و ویرانی و تخریب و آوارسازی مردم می زنند، در یمن نه حوثی ها دستپورده ایران اند و نه نیروهای سپاه پاسداران در آن جا مشاهده شده اند. این نکته را هم اضافه کنیم که ایران در دفاع از جنبش استقلال طلبانه حوثی ها تنها نیست، بلکه روسیه، چین و سوریه نیز حامی آنها هستند. گرچه عربستان و متحدینش اعلام کرده اند که تا به زانو درآوردن حوثی ها و به قدرت برگرداندن دست نشانده خود «هادی» به بیمارانش در این کشور ادامه خواهند داد، اما ایران

خواستار قطع بیمارانش و در عین حال خواهان بوجود آوردن شرایط مذاکره سیاسی میان طرفهای درگیر، جهت یافتن راه حل سیاسی است. این تاکتیک ایران بیشتر به انزوای عربستان سعودی که راه برگشت ندارد منجر خواهد شد. این نکته نیز قابل ذکر است که حوثی ها در مبارزاتشان علیه دولت مرکزی و تجاوزگران تنها نیستند. بخشهای مهمی از ارتش یمن به اضافه نیروهای امنیتی، هوایی و گارد جمهوری که کماکان به «صالح»، رئیس جمهور سنی مذهب پیشین وفادار مانده اند، متحد آنها به شمار می آیند. البته خبرگزاریهای جهان از جمله رویترز Reuters می گوشتند که درگیری های خونین یمن و تجاوز وحشیانه و جنونبار و ویرانگر عربستان سعودی و متحدینش را علیه مردم فقیر این کشور، صرفا اختلاف بین شیعه و سنی وانمود کنند. اما واقعیت فراتر از این تبلیغات ریاکارانه است. از نظر جغرافیای سیاسی، یمن دارای اهمیت به سزایی است. این کشور از غرب به دریای سرخ، که خود به آبراه پراهمیت باب المندب منتهی می گردد و از جنوب به دریای عرب، متصل است.

تنگه باب المندب برای عربستان سعودی و گروه ائتلافش، به ویژه برای اسرائیل دارای اهمیت حیاتی است. از اینرو سلطه بر یمن و از این طریق کنترل آبراه باب المندب یک مسأله راهبردی برای عربستان، گروه ائتلاف، اسرائیل و آمریکا به شمار می آید.

«بنی گانتس» رئیس سابق ستاد کل ارتش اسرائیل در مهر ماه ۱۹۹۴ در «بندالنهار» اظهار داشت که «بحران آبراه باب المندب برای اسرائیل از مسأله هسته ای ایران با اهمیت تر است». (تکیه از توفان). «بنگوریون» اولین نخست وزیر اسرائیل نیز اظهار داشته بود که «اسرائیل برای ارتباط با جهان می بایست از دریای سرخ و باب المندب عبور کند، لذا این تنگه برای تالابو حائز اهمیت است». و بالاخره نتانیاهو در سال ۱۹۹۴ اظهار کرد که: «به شدت نگران حوادث یمن و سیطره «حوثی» ها بر مناطق وسیعی از این کشور و ادامه پیشروی آنها به سمت تنگه باب المندب هستم». نزدیکی و اتحاد عربستان وهابی با اسرائیل که تا دیروز حتی از به رسمیت شناختن اسرائیل سرباز می زد، ریشه در اظهارات فوق و دشمنی با ایران دارد. ادامه ناامنی در آبراه باب المندب و از آن بدتر انسداد آن، کانال سوئز را - که دریای سرخ را به مدیترانه وصل می کند و در واقع شاهراه میان سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به شمار می آید- از حیز انتفاع ساقط خواهد ساخت. در یک چنین حالتی کشتی های حامل نفت و یا محموله های تجاری ناچار خواهند شد قریب به ۱۴ روز بیشتر مسیر آسیا به اروپا را از طریق دماغه «امید نیک» (Cape of Good Hope) دژ صخره های آفریقا طی کنند. وجود یک منطقه مستقل در شبه جزیره عربستان سعودی که مخالف دولت

سعودی، آمریکا، اسرائیل بوده و مناسبات دوستانه ای با ایران داشته باشد، در کنار ارزش راهبردی باب المندب، این است دلایل واقعی که عربستان و متحدینش در همکاری با اسرائیل و با پشتیبانی آمریکا اقدام به تجاوز خونین و ویرانگر علیه کشور یمن و مردم فقیرش نموده اند. این تجاوز تا کنون میلیون ها بی خانمان و هزاران کشته داشته است. و آثار باستانی و هویت ملی مردم یمن را به نابودی تهدید کرده و خسارات فراوانی به آن وارد نموده است. آیا آنان که این جنگ ناعادلانه و خونین را به دروغ و صرفا برای پرده پوشی سیاست استعماری خویش، ناشی از اختلاف شیعه و سنی جلوه می دهند، قصدی به جز این دارند که با فریب افکار عمومی جهان و سوء استفاده از اعتقادات و احساسات مذهبی مردم، این مردم را به گوشت دم توپ سیاستهای خویش تبدیل کنند؟ گرچه نزدیکی جمهوری اسلامی شیعه مذهب ایران به حوثی های شیعه مذهب یمنی خاری است در چشم سران سعودی وهابی مسلک، ولی اختلاف شیعه و سنی دلیل به راه انداختن این جنگ هولناک نیست. این جنگ ریشه در سیاستهای استعماری و نفوذ سیاسی در منطقه دارد.

البته دشمنی عربستان با ایران و تحریکات و تهدیداتی که این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می دهد، دارای دلایل عیدیه ای است که ما در زیر به اختصار به آنها اشاره می کنیم.

۱- صدام حسین در سالهای جنگ ایران و عراق و حتی بعد از آن از متحدین نزدیک عربستان سعودی به شمار می آمد. اما بعد از سرنگونی او روز به روز نفوذ ایران در عراق افزایش یافت و عربستان را نگران قدرتیابی هرچه بیشتر ایران ساخت.

۲- مسأله شیعیان بحرین نیز که به علت نزدیکی با ایران جزء متحدین این کشور به شمار می آیند و در عین حال در جدال با حکومت مرکزی قصد کسب قدرت از دولت کنونی را دارند، بر نگرانی عربستان می افزاید. فراموش نکنیم که بحرین استان چهاردهم ایران بود و مردم بحرین نیز خود را ایرانی می دانستند این محمد رضا شاه بود که مردم بحرین را ایرانی نمی دانست و بخشی از ایران را به استعمار انگلستان بخشید تا خود برجا بماند.

۳- ایران با نفوذ چندین ساله در میان حزب الله لبنان یک پایگاه دیگر در منطقه برای خود به وجود آورده است.

۴- هم رایی، هم پیمانی و همراهی روسیه، ایران و سوریه که منجر به شکست نیروهای تروریستی وابسته به امپریالیسم غرب، عربستان، قطر و ترکیه شد، امکان نفوذ ایران در سوریه را نیز افزایش داد.

۵- و بالاخره نزدیکی حوثی ها به ایران در یمن - که در درگیری های داخلی دست بالا را دارند - باعث خواهد شد تا نفوذ ایران تا بیخ گوش عربستان گسترش پیدا کند.

۶- کاهش تنش میان ... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

جنگ در یمن بدست...

ایران و کشورهای ۵+۱ در اثر امضای قرارداد برجام و در همین رابطه رفع برخی تحریم‌ها که منجر به افزایش تقریبی بنیه مالی جمهوری اسلامی ایران گشت و از دید عربستان، گروه ائتلاف و اسرائیل باعث تقویت جمهوری اسلامی ایران گردیده است، بر نگرانی آنها نیز افزوده است.

۷- سران مرتجع عربستان سعودی در عین حال نیز حتی نگران نفوذ ایران در میان شیعیان عربستان سعودی در مناطق نفت‌خیز شمالی عربستان هستند.

دخالت نظامی عربستان در بحرین و کشتار مردم این کشور و نیز جنگ تجاوزکارانه کنونی در یمن برای گسترش نفوذ و استقرار سلطه خود در این کشور به نوعی مقابله با ایران نیز می‌باشد. به جرأت می‌توان گفت که وقایع فوق-الذکر تغییرات و شرایط نوینی در منطقه به وجود آورده است که بدون تردید به زیان عربستان سعودی و گروه ائتلاف‌اش، به ویژه اسرائیل و حتی ترکیه تمام شده است. به یک کلام توازن قوا در منطقه به ویژه بعد از انقلاب ایران، بعد از سرنگونی صدام حسین در عراق و بعد از ماجرای شکست تروریست‌ها در سوریه به نفع ایران و روسیه تغییر کرده است. به همین دلیل عربستان و متحدینش به ویژه اسرائیل بعد از یمن خواب گسترش عرصه جنگ به سمت ایران را می‌بینند. در این رابطه اشاره به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- «اوبد بینون» مشاور نزدیک «آرل شارون» وزیر دفاع وقت اسرائیل در سالهای ۸۰ «نقشه

راه»ی تدوین می‌کند که براساس آن شرایط منطقه خاورمیانه از ترکیه، شبه‌جزیره عربستان تا ایران و پاکستان می‌بایست دگرگون شود. به دیگر سخن تجزیه کشورهای فوق‌الذکر و در نتیجه تضعیف آنها می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. ایالات متحده آمریکا نیز این «نقشه راه» را در دستور کار خود قرار داد و حتی پا را از این هم فراتر نهاد و کشورهای شمال آفریقا را بر آن افزود. طرح خاورمیانه بزرگ که در سالهای ۹۰ از جانب امپریالیسم آمریکا مطرح شد، زائیده همین طرز تفکر و عمل است. جهانیان شاهد بودند که سیاستهای تجاوزگرانه و جابرانه صهیونیستها از بعد از طرح «نقشه راه» «اوبد بینون» نسبت به فلسطینیان و حتی لبنان شدت گرفت. جنایات هولناک صبرا و شتیلا که منجر به کشتار ۳۵۰۰ فلسطینی گشت، محصول همین دوره بود.

- از پس حمله متجاوزین گروه ائتلاف به افغانستان و عراق، دامنه آن وسعت یافت و با شعله‌ور شدن جنگ در لیبی، سودان، سوریه و یمن جهانیان هر روز بیشتر از روز قبل شاهد به تحقق پیوستن نقشه راه «اوبد بینون» و امپریالیسم آمریکا هستند. در منطقه خاورمیانه از افغانستان تا ترکیه و از آسیای مرکزی تا عربستان سعودی، سودان و مصر و... ۶۵٪ از منابع نفت و گاز جهان نهفته است. علاوه بر این، این منطقه با جمعیتی بیش از چند صد میلیون نفر، بازار فروش عظیمی به‌شمار می‌آید. ۸۵٪ از جمعیت خاورمیانه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. مضافاً اینکه این منطقه به دو

کشور رقیب روسیه و چین ختم می‌شود و از نظر راهبردی برای امپریالیسم آمریکا، ناتو و اسرائیل دارای اهمیت به‌سزائی است. به همین دلیل امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا و جزء لاینفک‌اش اسرائیل با تبلیغات ضداسلامی و جنگ‌افروزی و بحران‌آفرینی و ایجاد ناامنی و تخریب، استقلال کشورهای منطقه را زیر سوال برده و در صددند با مستقر کردن حکومت‌های وابسته نظیر مصر، عربستان سعودی، امارات، قطر، اردن... منطقه را در بست تحت نفوذ و سلطه و انقیاد خویش درآورند. در این ارتباط یعنی برای تسلط و تغییر جغرافیای سیاسی منطقه هنوز باید نکات زیرین را نیز در نظر گرفت:

- در هم کوبیدن هم‌جانبه‌کشور و دولت عراق به بهانه دروغین سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی به دست امپریالیسم آمریکا و نیروهای موتلفه‌اش. ادامه در قسمت دوم

به توفان در تلگرام خوش آمدید**مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ منتشر شد، آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند**

اعلامیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه مه. فرخنده باد اول ماه مه!

دوا اعلامیه و یک سخنرانی تاریخی از لنین و استالین به مناسبت اول ماه مه

کودکان کار قربانیان سرمایه- لایحه و قانون بودجه سال ۹۶ ضد مردم به سود سرمایه‌داران کلان و رانتخواران (۱)

بیانیه بخشی از زندانیان سیاسی ایران به مناسبت اول ماه مه- یادداشتی پیرامون مضحکه انتخابات ریاست جمهوری

اعلامیه حزب کار ایران (توفان) در محکومیت بمباران سوریه - اعلامیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در محکومیت بمباران سوریه توسط آمریکا- حمله شیمیایی ساختگی و سلاح موهومی اتمی. در افشای اپوزیسیون ضدانقلابی و عوامل امپریالیسم و صهیونیسم - به مناسبت صد سالگی انقلاب کبیر اکتبر- تروریسم داعشی محصول تروریسم دولتی غرب. در حاشیه ترور در استکهلم- در حاشیه انتخابات ترکیه - پرسش و پاسخ در کانال تلگرام. سخنرانی به مناسبت سی و هشتمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ بخش سوم.

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به یک پرسش در مورد اتحاد گروه‌های سیاسی

توفان الکترونیکی شماره ۱۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ مه

۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

https://twitter.com/toufanhezbkar

https://www.facebook.com/toufan.hezbkar

https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 206 may 2017

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان)
اوضاع بخش نخست به کنگره پنجم حزب کار ایران.
جهان

ابزارهای مبارزه

امپریالیسم شرق با غرب

اردوگاه امپریالیسم شرق در مقابل این زورگوئی امپریالیسم آمریکا بیکار ننشسته است و برای مقابله با تسلط این امپریالیسم دست به ایجاد نهادهائی زده و ابزارهائی خلق کرده است تا با تکیه بر آنها و بهره مندی از آنها بتواند یک نظام مالی غیر وابسته به دلار در عرصه جهانی ایجاد کند. چین و روسیه می کوشند با دور زدن دلار و کمرنگ کردن اعتبار و قدرت آن در جهان مانع شوند که امپریالیسم آمریکا با سازوکار دلار بار بحرانهائی اقتصادی خویش را به دوش سایر ممالک جهان منتقل کند. این اقدامات مهم اقتصادی از این قبیل اند: ایجاد مناطق همکاری های تجاری "بریکس" و اتحادیه همکاری شانگهای، ایجاد بانک جدید توسعه در شانگهای، اجرائی کردن سواپ (Swap) در معامله تهاتری ارزی در میان کشورها، استفاده از ارز معادل مبادلاتی مطلوب همه در مقابل دلار... ادامه در صفحه ۵

جنگ در یمن به دست عربستان سعودی در خدمت تسلط گسترده آمریکا بر خاور میانه است (۱)

جنگ و درگیری های قبیله ای در یمن قدمتی چندین ده ساله دارد. اما درگیری های کنونی از سال ۱۹۹۴ در ابتداء میان حوثی ها از یکسو و القاعده و بخشی از جدائی طلبان جنوب این کشور از سوی دیگر با حکومت مرکزی آغاز شد.

یک سوم از جمعیت ۲۵ میلیونی یمن را پیروان مذهب زیدی تشکیل می دهند که نوعی شیعه هستند. زیدی ها قرن ها در یمن حکومت کرده اند. اما پس از جنگ داخلی ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۰ قدرت را از کف داده و آنرا به علی عبدالله صالح سنی مذهب به عنوان رئیس جمهور یمن متحد واگذار کردند.

در تاریخ معاصر یمن باید اشاره کرد که سرزمین یمن در تحول خویش در سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷، از دو کشور جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دموکراتیک یمن (یمن جنوبی بعد از استقلال) تشکیل شده بود. یمن شمالی در سال ۱۹۶۲ توسط اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد بعد از سرنگونی سلطنت و استقرار جمهوری و تشکیل دولت ملی به رسمیت شناخته شد و یمن جنوبی هنوز تا آن زمان در زیر سلطه امپریالیسم استعمارگر انگلستان بود. مردم یمن جنوبی توانستند در سال ۱۹۶۷ استقلال خود را به کف آورند و یمن دموکراتیک را تاسیس کنند و با اتحاد با یمن شمالی به عنوان کشور یمن متحد به عضویت سازمان ملل متحد درآیند. در سال ۱۹۹۴ جنگ داخلی میان جدایی خواهان جنوبی و حکومت مرکزی درگرفت که با پیروزی شمالی ها اتحاد یمن پابرجا ماند.

از ۱۹۶۲ (زمان تجزیه یمن به شمال و جنوب) زیدی ها (شیعه مذهب) بر بخش شمال کشور حکومت می کردند. گرچه علی عبدالله صالح سنی مذهب است، اما او از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور یمن شمالی بود. صالح پس از اتحاد شمال و جنوب کماکان به عنوان رئیس جمهور کشور یمن در سمت خود باقی ماند. در سال ۲۰۱۱ جنبش گسترده حوثی ها به حکومت ۳۷ ساله «صالح» پایان داد و وی ناچارا به جنوب کشور گریخت. با توطئه و دخالت عربستان «عبد ربّه منصور هادی» به ریاست جمهوری رسید. او چون وابسته به عربستان بود، ریاست جمهوری اش به علت مخالفت و مبارزه استقلال طلبانه مردم یمن، دوام چندانی نیافت. در این میان «صالح» که شکست خود را در دخالت عربستان و پشتیبانی آنها از نوکر دست نشانده شان «عبد ربّه منصور هادی» می دید برای حفظ استقلال یمن متحد به حوثی ها پیوست. این وضعیت سیاسی کنونی یمن است. جنگی که در گرفته است برخلاف تبلیغات امپریالیسم و وهابیسیم میان شیعه و سنی نیست ناشی از تمایل مردم یمن به حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور خویش و مخالفت با دخالت امپریالیسم و وهابیسیم در امور داخلی کشورهای منطقه است. در این جبهه استقلال طلبانه مردم اعم از سنی و شیعه مشترکا و متحدا مبارزه می کنند.

با اوجگیری درگیری های داخلی، حوثی ها در سال ۲۰۱۴ با پیشروی به طرف شهر صنعاء پایتخت این کشور، آن را تصرف نمودند. «هادی» نیز ناگزیر به نزد اربابش عربستان سعودی پناه برد و از آن پس جنبش استقلال طلبانه حوثی ها را که برای سرنگونی حکومت وابسته به عربستان می جنگیدند، آلت دست ایران خواند و از سران کشور سعودی خواستار نجات یمن از دست حوثی ها شد. همین جا اضافه کنیم که ایران مانند سایر ممالک منطقه پیوسته در تلاش برای نفوذ در یمن است. مصر در زمان عبدالناصر در مقابله... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صریح، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany